

در گفت‌وگو با رئیس مدرسه عالی فقاہتِ عالم آل‌محمد^(ع) بررسی شد

سایه مستدام حضرت خورشید بر ایرانِ امام‌رضا^(ع)



آئمه مستقیمی! در آستانه سالروز ولادت هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت امام مهربانی‌ها علی بن موسی الرضا^(ع) و باتوجه به نام‌گذاری دهه کرامت امسال به «ایران امام‌رضا^(ع)» درباره برکات سایه پُر مهر امام‌رضا^(ع) بر سر میهن عزیزمان ایران با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن وحدتی شبیری، رئیس مدرسه عالی فقاہتِ عالم آل‌محمد^(ع)، گفت‌وگو کرده‌ایم.

گفت‌وگو

ایران
امام‌رضا^(ع)

گرامیداشت دهه کرامت، برگزاری جشن‌های ایام ولادت حضرت ثامن‌الحجج^(ع) و برافراشتن نام و یاد و ترویج و تبیین مکتب امام‌رضا^(ع) در این ایام، چه ضرورت و اولویتی دارد؟

درباره اهمیت دهه کرامت که به ابتکار آستان قدس رضوی در فاصله بین سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه^(س) تا سالروز ولادت امام‌رضا^(ع) (۱۱ تا ۱۲ ذی‌القعدة) به عنوان دونور پاک تعیین شده است، باید گفت مردم مسلمان ما طی قرن‌ها به ساحت مقدس اهل بیت^(ع) ارادت داشته‌اند که پاداش اخروی آن را فقط خدا می‌داند اما درباره پاداش دنیوی، می‌توان به انقلاب اسلامی اشاره کرد و امید است با مقاومت مسلمانان در فلسطین، لبنان و یمن و... این انقلاب در منطقه و جهان فراگیر شود.

نیakan ما افتخار میزبانی حجت خدا را در مشهد مقدس (طوس آن زمان) داشتند. این میزبانی نسل‌ها ادامه یافته و امروز آستان قدس رضوی باتوابع و نهاد‌های متبوعش، جلوه‌ای از تمدن اسلامی است. ایران اسلامی با عنایت امام هشتم^(ع)، در بحران‌های مختلف و تحولات حکومت‌ها و فراز و نشیب‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، هویت شیعی خود را حفظ کرده و بی‌تردید عمود این خیمه، حرم امام هشتم^(ع) است که باعث شده شیعیان ایران در پناه آن، خود را حفظ کنند. بزرگداشت دهه کرامت به دلیل آنکه به استمرار و استحکام این هویت فرهنگی کمک می‌کند، ضروری است و اهمیت دارد.

حضور حضرت امام‌رضا^(ع) در ایران و شهادت ایشان در طوس چه تأثیری بر زندگی ایرانیان و تاریخ این کشور داشته است؟

به برکت تشریف‌فرمایی امام‌رضا^(ع) به ایران، تحول فکری و فرهنگی عمیقی در مردم ایران اسلامی رخ داده است، چنان‌که مردم با مسئله امامت و ولایت آشنا شدند. آن‌ها اگرچه پیامبر^(ص) و کلیات دین را می‌شناختند، از جایگاه امامت مطلع نبودند و نمی‌دانستند این امامت است که جریان رسالت را استمرار می‌بخشد و دین را تبیین می‌کند. قبل از هجرت امام‌رضا^(ع)، خواصی از شیعه در ایران جریان امامت را می‌شناختند اما به برکت این هجرت و حضور کاروان حضرت، مردم از دلیل این عظمت و شکوه پرسیدند و وقتی می‌فهمیدند این آقا حجت خداست، به تدریج فکشان متحول می‌شد. علاوه بر این اثرگذاری خبری، سخنرانی‌های عمیق حضرت ثامن‌الحجج^(ع) هم تأثیر تاریخی داشت مثل حدیث مشهور سلسله‌الذهب که ایشان در نیشابور به نقل از پدران خود (به‌ترتیب از موسی بن جعفر^(ع)) یک‌به‌یک تا شخص پیامبر^(ص) بیان و در نهایت سخن نبوی را هم به خدا متصل کردند و تأکید داشتند که «توحید دژ مستحکم خداست» و بعد فرمودند: «من (یعنی امامت) شرط این توحید هستم.» در برخی روایات هست

که به برکت امام است که خدا عبادت می‌شود؛ پس برای عرفان ناب باید نزد آئمه^(ع) بیایند و به دعای ابو حمزه ثمالی و دعای سحر و مناجات شعبانیه متوسل شوند، نه دکان‌های کاذب عرفان.

یعنی هجرت رضوی حتی اصول اعتقادی ایرانیان را که مسلمان بودند، اصلاح کرد؟

این هجرت حرکت بینشی توحیدی ناب را در مردم رقم زد و آن‌ها را با آنچه ضامن اسلام ناب محمدی بود، آشنا کرد؛ تأکید امام‌رضا^(ع) بر امامت به عنوان شرط توحید، یعنی اگر کسی فقط خدا را می‌پرستد باید بداند خدا خود می‌گوید: «أطیعوا... و أطیعوا الرسولَ و أولی الأمر منکم» و روایات متعدد^(۱) اولی الامر، را امامان بعد از پیامبر^(ص) معرفی می‌کند. لذا مهم‌ترین تحول فکری جامعه ایران که اساس دیگر تحولات بود با هجرت رضوی رقم خورد و ایشان مردم را با حقیقت توحید و امامت آشنا کردند. سخنرانی امام‌رضا^(ع) در شهر مرو (ترکمنستان کنونی) هم بسیار اثرگذار بود. راوی می‌گوید، محضر امام^(ع) رفته و عرضه داشت من این سفر شما مردم را متعجب کرده است و می‌پرستد که امامت چیست. حضرت فرمودند: «بگویند جمع شوند» و بعد سخنرانی‌ای کردند که در بنی‌العباس ولوله انداخت. وقتی فرمودند: «حقیقت امامت را با عقل ساده بشر نمی‌توان تعریف کرد. امامت، زمامداری جامعه را هم شامل می‌شود و ولایت تکوینی امام برای هدایت بشر در آن نهفته است.» چنان‌که وقتی ابراهیم خلیل^(ع) از آزمون‌های سخت با نمره عالی بیرون آمد، خدا او را در زمین امام بر مردم قرار داد: «إني جاعلكل لئاسی اماماً»؛ و پیش از آن احکام الهی را بیان می‌کرد و هدایت شرعی داشت اما اینجا منصب جدیدی برای ابراهیمی که قبلاً رسول بود، در نظر گرفته شد. ای بسا کسی «نبی» باشد اما «امام» نباشد. علامه طباطبایی می‌گوید: امام، کسی است که دست‌بندگان را می‌گیرد و به سمت بهشت می‌برد... چنان‌که امام حسین^(ع) حُرّ را جذب کردند و او خود می‌گوید: سخنان اباعبد...^(۲) در من آتشی روشن کرد و راهی خیمه‌گاه حسینی شدم.

چه جلوه‌هایی از اُرافت امام‌رضا^(ع) شامل حال ایران شده و این نظر لطف و عنایت ایشان، ما را از کدام بحران‌ها و فراز و نشیب‌های تاریخی عبور داده است؟

امام‌رضا^(ع) علاوه بر آگاهی بخشی به مردم ایران، نظر ولایتی روی ایران دارند و اجازه نمی‌دهند در این کشور آتش به پا شود، ولو اینکه در اطراف ما آتش بسیار باشد و سوزانده شود، ایران، ایران امام‌رضا^(ع) است؛ یعنی ایرانی که نظر و تصرف ولایتی امام هشتم^(ع) مثل چتر روی آن را گرفته است، والا آن را به‌خصوص بعد از انقلاب تجزیه می‌کردند. این‌ها همه برکات

وجودی امام‌رضا^(ع) است. واقعیت این است که انقلاب اسلامی ما را هم باید انواری از تجلی اسلام اصیل بدانیم که در خانه‌های بیت^(ع) یافت می‌شود. عنایت تکوینی ثامن‌الحجج^(ع) بر سر ایران است و ما در کشتی‌ای حرکت می‌کنیم که امام هشتم^(ع) ناخدا ی آن هستند، به تعبیر شاعر «دل‌آمال که دلدار ما رضاست، رضا/ غمین مباش که غمخوار ما رضاست، رضا». شهادت امام^(ع) مُهر تأییدی بر همین حقیقت بود که اسلام ناب و خط مبارزه با طاغوت، چراغ برافروخته‌ای است که هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود؛ ممکن است در برهه‌ای تانکیک‌ها تغییر کنند، چنان‌که امام‌رضا^(ع) بر مأمون شمشیر نکشیدند و با وی جنگ فرهنگی کردند، چون دشمن تانکیک خود را تغییر داده و نقاب دوستی اهل بیت^(ع) را بر چهره زده بود. تانکیک منصور، کشتن شیعیان بود و هارون، امام‌کاف^(ع) را به زندان انداخت، اما مأمون نیزنگ کرد و ایند اخلافت و بعد ولایتعهدی را به امام‌رضا^(ع) پیشنهاد داد و چون حضرت ثامن‌الائمه^(ع) نپذیرفتند (بنابر نقل بحارالانوار) ایشان را تهدید کرد؛ نه‌ایا تا امام‌رضا^(ع) با شروطی ولایتعهدی را بپذیرفتند و همان حربه مأمون، جواب وی را دادند، چنان‌که یک نماز عید امام نشان داد آن‌ها از جریان اسلام ناب و آشنایی مردم با آن در هراس هستند. بعد از اصرار مأمون بود که امام‌رضا^(ع) نپذیرفتند نماز عید را بپذیرند اما فرمودند: «من به سبک و سیره جدم رسول خدا^(ص) نماز عید را می‌خوانم.» و چون با آن کیفیت‌ی که در تاریخ وصف شده است ظاهر شدند، حتی سواران خلافت از اسب پیاده شدند و کفش کردند و همراهی کردند و وقتی خبر به مأمون رسید، از خروش به وجود آمده و از ترس از دست رفتن خلافت، مانع شد و حضرت^(ع) را بازگرداند.

پذیرش ولایتعهدی از جانب امام‌رضا^(ع) و هجرت ایشان به ایران چقدر در تسخیر ما و پذیرش آگاهانه مکتب اهل بیت^(ع) مؤثر بود؟ این هجرت در پاسخ متقن به برخی شبهات درباره اسلام‌آوردن ایرانیان چه تأثیری دارد؟

امام‌رضا^(ع) همان برنامه امام حسین^(ع) را داشتند اما به تناسب رفتار دشمن، رفتار خود را تنظیم کردند؛ زیرا تفکر جهادی و مبارزه با مستکبران عالم همیشه در سیره آئمه^(ع) بوده است و امام‌رضا^(ع) نیز چنین نگاه‌ی داشتند. ایشان با پذیرش ولایتعهدی زیر بار ظلم نرفتند، لذا آن‌ها که توهم می‌کنند که صلح امام حسن^(ع) به معنای مذاکره بر سر اصول و آرمان‌های اصیل اسلامی بوده، سخت در اشتباه‌اند. چنان‌که مذاکرات امروز ما با دشمن به معنای دست‌کشیدن از بیئات و اصول انقلاب و توقف حرکت جبهه مقاومت نیست، منتها نیاز به تغییر تانکیک، تنفس و بازیابی نیروها و رفع خستگی آن‌هاست تا قوه‌ها به تدریج به فعلیت درآید، وگرنه ماهیت اسلام و انقلاب به ما اجازه دوستی با ستمگران را نمی‌دهد. ایران با تمدن چند هزار ساله که جلوه‌های ابدن‌ولوزی، تاریخ، سیاست، فرهنگ، دانش و معرفت... داشت تسلیم اسلام شد، چون حقیقت اسلام را دریافتند و امام‌رضا^(ع) در مواجهه با این فرهنگ بالا، آن گوهر ناب دین یعنی توحید و امامت را به مردم ایران هدیه دادند و ایرانیان با طیب خاطر، ولایت را بپذیرفتند، لذا بسیار اشتباه است که توهم کنیم اسلام از طریق زور و شمشیر در ایران پذیرفته شد. اگر مسلمانان

جنگیدند برای آن بوده که موانع سیاسی را بردارند و مردم صدای توحید را بشنوند، چنان‌که وقتی آیه نازل شد «فَسَوْفَ يَأْتِي... يَقُومُ بُحْبُهِمْ وَ يُجِئُونَهُ أَذْلًا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةً عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ... وَ لَا يُخَالِفُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ؛ به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آن‌ها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنان سرافکننده و فروتن و به کافران سرافراز و مقتدرند (به نصرت اسلام) برانگیزد که در راه خدا جهاد کنند و (در راه دین) از نکوهش و ملامت احدی پاک ندارند.» در روایت است که از رسول خدا^(ص) پرسیدند این‌ها کیستند، حضرت^(ص) بر شانه سلمان زدند و فرمودند: «این و هموطان او (ایرانیان)». امیرالمؤمنین^(ع) هم در جنگ مسلمانان با ساسانیان، مشورت دادند تا ندای توحید به مردم ایران برسد.

امام‌رضا^(ع) به «رنوف» شهرت دارند. جامعه امروز ما به این خصیصه رضوی چقدر نیاز دارد و چطور می‌توان این وصف را در سبک زندگی‌های ما نهادینه کرد؟

باید از امام‌رضا^(ع) درس رافت بگیریم. ایران امام‌رضا^(ع) باید ایران مهر و مهربانی باشد. رسول خدا^(ص) فرمودند: «مَثَلُ مُؤْمِنَانِ دَر مَهْرِبَانِ وَ عَاطِفُهُ مَثَلُ بَیْمَرِی اسْت که اگر یک عضو آسیب ببیند، دیگر اعضا هم درد می‌کشند و همه بدن بسپج می‌شود تا رنج رفع شود.» امروز نیز همه ایران برای رفع زخم به جامانده از حادثه بندربعاس باید دست به دست هم بدهند. نکته مهم آنکه امام‌رضا^(ع) در رافت و مهربانی، شأن افراد را هم در نظر می‌گرفتند. نقل است روزی امام^(ع) در جلسه‌ای در حال پاسخ‌گفتن به سؤالی بودند که ناگهان مردی غمگین و ناامید وارد شد. امام فوری متوجه او شدند و پس از پایان صحبتشان، از مرد سؤال کردند: «برادر کیستی و چرا این چنین غمگین و پریشانی؟» مرد پاسخ داد: «سلام و درود بر فرزند پیامبر اکرم. مردی مسلمانم و اهل خراسان. از سفر حج بازمی‌گردم. در راه همه پولی را که همراه داشتم، گم کردم. اکنون نمی‌دانم چگونه به شهر و دیار خود بازگردم. من مردی ثروتمندم و اگر یاری‌ام کنید که به خانه بازگردم، برابر آنچه به من بخشیده‌اید باز پس خواهم فرستاد.» امام برخاستند و به اتاقی دیگر رفتند. پس از لحظاتی در را نیمه باز کردند و دست مبارکشانشان را از لای در بیرون آوردند. در دستشان کیسه‌ای بود. بی‌آنکه چهره‌شان دیده شود، فرمودند: «مرد خراسانی کجاست؟» مرد گفت: «حاضر.» فرمودند: «این دو بیست اشرفی را بگیر و هزینه سفر خود کن و به سلامت به شهر و دیار خود بازگرد. در فکر پس دادن این پول نیافش. حالا برو تا نه من تو را ببینم و نه تو مرا.» یکی از یاران که شاهد این ماجرا بود، رو به امام کرد و گفت: «قدایت شوم. بخششی بزرگ بود، چرا روی مبارکتان را از او پوشانیدی؟» امام‌رضا^(ع) فرمودند: «می‌ترسیدم که هنگام گرفتن پول، خواری و شرمندگی را در چهره‌اش ببینم.» مردم ایران باید از امام‌رضا^(ع) مواسات و برادری در شرایط بحرانی را یاد بگیرند و ابروی کسی را که به آن‌ها پناهنده شده است، حفظ کنند. اگر بخواهیم مهر و رافت در جامعه فراگیر باشد، باید دنیا را مرزعه آخرت و آقایی و مُلک را فقط مختص خدا بدانیم. با این رعایت‌ها می‌توان مجاور و زائر خوبی برای امام‌رضا^(ع) بود.